

## نقش توبه در اسقاط حدود

\*زهرة حداد مقدم\*

\*مریم خطیب باشی\*

### چکیده

انسان بر اساس اصل آزادی اراده، مسئول کارهایی است که انجام می‌دهد و بر اساس آن مجازات می‌شود از این رو در اسلام، برای کارهای خلاف شرع، مجازات و برای بسیاری از جرائم، حد مشخص شده است؛ اما در این میان گاهی عواملی مانند توبه وجود دارد که حد را از انسان برداشته و او را مورد عفو قرار می‌دهد؛ با دقت در آیات و روایات و سخنان فقها در مکاتب فقهی معلوم می‌گردد که توبه یکی از عوامل سقوط مجازات شمرده شده به گونه‌ای نقش توبه در رفع مجازات، در جرائم حق الله مورد پذیرش فقهای اسلام قرار گرفته است و آنان سقوط مجازات مجرمان را قبل از اثبات جرم، به وسیله اقرار یا شهادت شهود، اثر اصلی توبه دانسته‌اند ولی در جرائم حق الناس موجب سقوط مجازات نیست؛ چون مرتکب علاوه بر این که اوامر و نواهی الهی را نادیده گرفته، موجب ضرر و زیان مالی و جسمی یا آبرویی برای دیگران شده و باید جبران کند، البته توبه مجازات اخروی را ساقط می‌نماید، ولی باید دانست که وضع مجازات دنیوی، تابع مجازات اخروی نیست. در این پژوهش، توبه و نقش آن در رفع مجازات‌های دارای حدود از دیدگاه فقه امامیه مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** توبه، حد، حق، مجازات، جرم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

\* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

\* استاد راهنما



## طرح بحث

یکی از مباحث مهم در آموزه‌های اسلامی، «توبه» است. توبه، عمری همپای انسان دارد؛ زیرا زندگی حضرت آدم در زمین با آن آغاز می‌شود و پیامبران توحیدی مانند: ابراهیم، اسماعیل، یونس، موسی و پیامبر گرامی اسلام همواره در حال توبه بوده‌اند.

در قرآن کریم نیز توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در آیات متعددی به آن اشاره شده است؛ به طوری که واژه توبه و مشتقات آن، نود و دو بار و کلمه «استغفار» مشتقات آن، چهل و پنج مرتبه ذکر شده و در آیات متعدد دیگری نیز بدون ذکر این واژه‌ها به این مسئله اشاره شده است. مفسران در ذیل آن آیات به توضیح و تبیین توبه و تبیین توبه و شرایط آن پرداخته‌اند. در جوامع حدیثی بابی به توبه اختصاص یافته است و محدثان به تشریح آن همت گماشته‌اند. علاوه بر جایگاه رفیع توبه در قرآن و روایات، عارفان، دانشوران علم اخلاق، متکلمان و ادیبان در کتابهای خود، بابی به‌عنوان توبه گشوده‌اند و آن را مورد شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید و تفصیل قرار داده‌اند.

در این میان، فقها از منظری دیگر به «توبه» گریسته‌اند و با الهام از آیات و روایات، آثار حقوقی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. توبه در حقوق جزای اسلامی به‌عنوان یکی از موارد سقوط مجازات شمرده شده است و به‌عنوان یک تأسیس حقوقی مطرح می‌باشد، ارکان و شرایط توبه‌ای که یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات است در یک پژوهش تحقیقی بیان می‌شود. توبه در همه جرائم، سقوط مجازات را در پی ندارد.

نگارنده در این نوشتار بر آن است که نقش توبه را در اسقاط حدود و به‌ویژه از دیدگاه فقهای امامیه و به‌عنوان یکی از علل سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام مورد بررسی قرار دهد.



## الف. آثار فقهی و حقوقی توبه

### ۱. سقوط مجازات

اثر اصلی توبه، در صورتی که با شرایط لازم خود واقع شود، سقوط مجازات مجرمین می‌باشد؛ این اثر مربوط به توبه قبل از اثبات جرم است که مورد قبول اجماع فقهای امامیه است؛ چنان که صاحب کشف‌المراد ادعای اجماع بر سقوط عقاب کرده است. وی در این باره می‌نویسد:

«الناس اتفقوا علی سقوط العقاب بالتوبه» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۶)

مردم متفقند و اجماع دارند بر سقوط عقاب توبه؛

و نیز محقق لاهیجی معتقد است، در صورت تحقق توبه، عقاب ساقط شده و بر مسئله اجماع منعقد شده است. (محقق لاهیجی، ۱۳۶۲هـ. ش، ص ۵۰)

همچنین، بعضی از فقهای شافعی و پیروان احمد حنبل معتقدند توبه مطلقاً موجب سقوط مجازات است؛ زیرا قرآن کریم، توبه محارب را قبل از دستگیری، مسقط مجازات دانسته است، با این که جرم محاربه، جرم سنگینی است بنابراین، نسبت به جرم اخف (غیر محاربه) به طریق اولی توبه قبل از دستگیری را مسقط کیفر دانسته است. (عوده، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۵۳)

### ۲. قابلیت عفو توسط امام

یکی دیگر از آثار توبه، مربوط به اثر توبه بعد از اثبات جرم می‌باشد که در این صورت همان طور که گذشت، توبه، عامل سقوط مجازات نیست؛ بلکه سبب عفو توسط قاضی است که در صورت تشخیص مصلحت فرد و جامعه، مخیر است مرتکب را از مجازات معاف نماید.



چنان که در روایت متعددی این مسئله (عفو امام در صورت صلاحدید) عنوان شده است. در معتبره طلحه بن زید امام فرمودند:

«إِنِّي أُرَاكَ شَابًا لَّا بَأْسَ بِهِ تَكُ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۲۷، ح ۱۲۳)

به معنای این که چون تو را جوان می بینم، اشکالی در عفو تو نیست.

یعنی: توجه به خود مجرم، صرف نظر از جرم ارتكابی، در قوانین موضوعه کشور ما که بازتاب فقه پویای امامیه است، توبه بعد از اقرار را مسقط مجازات ندانسته است، بلکه آن را سبب عفو قاضی می داند. به عنوان مثال، در ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرگاه، کسی به زنایی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی می تواند (مخیر است) از ولی امر برای او تقاضای عفو بنماید و یا حد را بر وی جاری کند.»

### ۳. قبول شهادت (گواهی)

یکی از آثار توبه، پذیرش شهادت مجرم است؛ بدین توضیح که هرگاه، مرتکب یکی از حرام ها، توبه نماید و توبه وی صحیح دانسته شود، شهادت او به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا پذیرفته می شود.

چند نکته

۱. از آنجا که در برخی مواقع، توبه دارای اثر حقوقی است و موجب سقوط مجازات قانونی می شود، قاضی باید از وقوع آن اطلاع پیدا کند که این امر نیاز به احراز و اثبات توبه در نزد وی دارد. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که کسی که مرتکب جرمی شد و آنگاه ادعای توبه می نماید، این امر را از چه راهی می تواند اثبات کند و آیا ادعای توبه برای پذیرش آن کافی است یا خیر؟

۲. از آنجایی که توبه از اموری است که تنها از طرف تائب معلوم می شود و از باب «ما



لا يعلم الا من قبله» چیزی که جز از طریق گفتار گوینده، بر دیگران معلوم نمی‌شود و راه اثبات آن مسدود است.

اگر متهمی ادعای توبه نماید در حالی که آثار ظاهری توبه از جمله جبران عمل فاسد گذشته نمایان باشد و در عین حال حاکم در توبه کردن او تردید داشته باشد، در این صورت، توبه او پذیرفته است، مگر این که یقین به کذب وی داشته باشد.

توضیح بیشتر مطلب این که در پاره‌ای از مسائل، راه اثبات وجود ندارد؛ نه سند و نه اقرار و شهادت و نه اماره قانونی و قضایی؛ در این صورت، فصل خصومت، منوط به این خواهد بود که اظهار خود گوینده (مدعی) را بپذیرند و برای محکم کاری، او را سوگند بدهند. چنان که در فقه اسلامی این چنین است. به عنوان مثال، اگر زوجه بگوید مدخوله نیستم، طلاق او بائن خواهد بود. (قانون مدنی، ۱۳۷۹، ماده ۲۸۲، ص ۵۲۰)

یا اگر زوجه بگوید در طهر غیر مواقعه هستم، می‌توان او را طلاق داد. اگر چه راست نگفته باشد؛ زیر دخول و حیض و طهر، اموری هستند که اطلاع بر آنها عادتاً از طریق دیگر متعذر است و فقط باید به اظهار زوجه علم حاصل کرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۱۰۷۱)

بنابراین، هرگاه فردی اظهاراتی یا ادعای حقی بنماید که مطالبه دلیل میسر نباشد و یا موجب عسر و حرج بر او می‌گردد، در اینگونه موارد، اگر کسی نباشد که با اظهار کننده به منازعه برخیزد، مصلحت را در این دانسته که به اظهارات وی ترتیب اثر داده شود؛ این یک تأسیس شرعی است که احادیث و روایات بسیاری پایه و اساس آن را در تأیید عرف و عادت موجود در این زمینه تشکیل می‌دهد. (عاملی، ص ۳۲۷)

از این رو، ادعای شخص، پذیرفته می‌شود؛ اگرچه حاکم در توبه کردن او تردید داشته باشد؛ زیرا از تائب نمی‌توان طلب دلیل در جهت رفع تردید کرد؛ مگر اینکه قاضی یقین به کذب او داشته باشد که در این صورت (احراز عدم توبه)، نمی‌تواند به توبه‌اش ترتیب اثر دهد.



قاعده کل در این مورد این است که در جرائم حق الله، توبه عبارت است از پشیمانی از گذشته، عدم تکرار گناه و انجام اعمال صالح و کتمان عمل و در صورت علنی شدن گناه، باید اجرای حد را بپذیرد تا توبه‌اش پذیرفته شود. در حق الناس نیز توبه عبارت از پشیمانی از گذشته و عدم تکرار جرم و گناه ادای حق مردم و تحصیل رضایت آن‌ها یا پذیرفتن اجرای حکم قصاص یا حد در مورد لزوم، از این رو توبه در حق الناس مسقط مجازات نمی‌باشد. (عاملی، ص ۳۲۷)

در این باره روایات وارده از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه هدی (علیهم السلام) به صورت روشنتری به بیان و شرایط توبه می‌پردازد و به تفصیل آن را بیان می‌کند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«توبه کننده باید اثر توبه را آشکار کند که در غیر این صورت تائب نخواهد بود. این آثار، عبارتند از: راضی ساختن کسانی که با آن‌ها در حال نزاع و درگیری باشد؛ اعاده نمازهای فوت شده، تواضع بین مردم؛ دوری از شهوات؛ روزه گرفتن.» (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۵)

به نظر می‌رسد موارد ذکر شده در این حدیث شریف، مصادیق اصلاح عمل و عمل صالح باشد که بارها در آیات قرآن کریم از شرایط پذیرش توبه و صحت آن شمرده شده است.

## ب. زمان پذیرش توبه از دیدگاه فقهای اسلام

در بین فقهای اسلام در مورد زمان پذیرش توبه، اختلاف نظر وجود دارد. البته در مورد توبه قبل از اثبات، فقها اتفاق نظر دارند اما در مورد توبه بعد از اثبات، اختلاف است؛ که در این پژوهش فقط دیدگاه‌های فقهای امامیه ذکر می‌شود.



## ۱. توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم

مشهور امامیه معتقدند که توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم، موجب سقوط مجازات است. (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۸۶) که مستند این نظر، آیات و روایات و اجماع فقهای امامیه می‌باشد. آیات زیر، بر سقوط مجازات به سبب توبه قبل از دستگیری دلالت دارد.

امام خمینی در (تحریر الوسیله) می‌نویسد:

«يسقط الحد لو تاب قبل قيام البینه رجما كان او جلدا» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲،

ص ۴۱۶، مسأله ۱۶)

ساقط می‌شود حد اگر توبه کند قبل از اقامه بینه حال چه حد او رجم باشد چه تازیانه.

در کتاب «تکملة المنهاج» بر این مطلب دعوی اجماع شده است. (خویی، ج ۱، ص ۱۸۶) و علاوه بر اجماع، دلایل دیگری نیز وجود دارد که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

از امام باقر یا امام صادق (علیهم السلام) سؤال شد در مورد مردی که سرقت کرده یا شراب نوشیده یا زنا کرده و کسی هم بر آنها آگاهی نیافته و دستگیر هم نشده است، توبه کرده و اصلاح می‌شود.

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند:

«هرگاه اصلاح شود و از او امر و فعل زیبا مشاهده شود، بر وی حد اقامه نمی‌شود.»

(طوسی، ج ۱۰، ص ۱۲۲، ح ۱۰۷)

روایت دیگر، صحیحه عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) است که حضرت فرمود:

«سارق اگر قبل از دستگیری توبه نماید و مال مسروقه را به صاحبش باز گرداند، حد

ساقط می‌شود» (کلینی، ج ۲، ص ۲۲۰)

در روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) عبارت «أَنْ يَأْتِيَ بَعْضَ هَذِهِ الْفَوَاحِشِ» (جرعاملی، ج ۱۸،



باب ۱۶، ص ۲۲۷، ح ۲) آمده است که مستفاد از آن این است که نظر آن حضرت منحصر به جرم زنا نبوده است و در جرائم مشابه نیز بهتر است که مرتکب، قبل از علنی شدن گناه، توبه نماید.

ناگفته نماند که در مورد سایر جرائم نیز به همین ترتیب در منابع روایی اسلام، روایات متعددی وجود دارد که به جهت اختصار، از ذکر آنها صرف نظر می‌نماییم.

## ۲. توبه بعد از اقرار به جرم

اگر کسی به جرمی اقرار نماید و آنگاه توبه نماید، آیا حد از او ساقط می‌شود یا خیر؟ صاحب شرایع در این مورد می‌نویسد:

«اگر شخص به جرمی اقرار نماید و سپس توبه کند، امام در اقامه حد مخیر است، سنگسار (رجم) باشد یا تازیانه.» (حلی، ج ۴، ص ۱۳۹)

در کتابهای سایر فقها نیز، عبارتهای مشابه دیده می‌شود. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۱۶، ۴۱۷) در این نظریه اختلافی دیده نمی‌شود.

البته، بین این توبه (توبه بعد از اقرار به جرم) و توبه قبل از اثبات جرم، یک تفاوت اصلی وجود دارد و آن اینکه در مورد توبه قبل از اثبات، حد ساقط می‌شود، یعنی اثر مستقیم توبه، سقوط کیفر است و قاضی نمی‌تواند در مورد صحت توبه، مرتکب را مجازات نماید؛ اما در مورد توبه بعد از اثبات جرم با اقرار، این گونه نیست؛ بلکه توبه فقط سبب عفو از مجازات در اختیار قاضی است، یعنی قاضی در مورد صلاح‌دید می‌تواند مرتکب را عفو نموده یا مجازات نماید. (خویی، ج ۱، ص ۱۸۶)

مستند این نظریه، روایات متعددی است که به جهت اختصار، به ذکر دو روایت بسنده

می‌کنیم:





## – مرسله برقی از صادقین

در مرسله برقی، روایت شده است که «مردی نزد امام علی(علیه‌السلام) آمد و به سرقت اقرار کرد، حضرت به وی فرمود:

آیا سوره‌ای از قرآن را خوانده‌ای؟ مجرم پاسخ داد بلی؛ سوره بقره را خوانده‌ام. آنگاه امام فرمود: دست تو را بخشیدم (تو را عفو کردم) به دلیل سوره بقره. اشعث در اعتراض آن حضرت گفت: آیا حدی از حدود الهی را تعطیل می‌کنی؟

امام فرمود: تو چه می‌دانی؟ (درک نمی‌کنی؟) هرگاه جرم با شهادت شهود ثابت شود، امام نمی‌تواند مجرم را عفو کند؛ ولی اگر جرم مرد با اقرارش ثابت شده باشد، با امام است که او را عفو کند یا دست او را قطع نماید» (طوسی، ج ۱۰، ص ۱۲۲، ح ۱۰۷)

با دقت در روایت ذکر شده، روشن می‌شود که توبه در اینگونه موارد، به طور مستقیم سبب سقوط مجازات نمی‌شود بلکه سبب عفو در اختیار امام است.

## – معتبره طلحه بن زید از امام صادق(علیه‌السلام)

حضرت فرمود:

«بعضی از آشنایان و دوستان من روایت کرده‌اند که: جوانی نزد امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) رسید و اقرار به سرقت نمود. جملاتی بین آنان رد و بدل شد؛ سپس، حضرت به او فرمودند: من تو را جوانی می‌بینم و اشکالی ندارد که تو را عفو نمایم.

آیا سوره‌ای از قرآن را خوانده‌ای؟ جوان پاسخ داد: بلی، سوره بقره را. پس امام علی(علیه‌السلام) فرمودند: من تو را بدلیل سوره بقره، عفو می‌نمایم و همانا آنچه مانع از اجرای حد قطع می‌شود این است که جرم او با شهادت شهود، ثابت نشده است.» (طوسی، ج ۱،

ص ۱۲۷، ح ۱۲۳)



### ۳. توبه، بعد از اثبات جرم با قیام بینه

در این مورد دو نظریه وجود دارد:

مشهور فقهای امامیه (خویی، ج ۱، ص ۳۰۹) معتقدند که اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب، پس از آن توبه نماید، امام اختیار عفو او (مجرم) را ندارد و باید حد الهی را بر وی جاری سازد؛ چنان که صاحب شرایع می‌نویسد:

«و لو تاب بعد قیامها، لم یسقط حد کان حداً او رجماً» (حلی، ج ۴، ص ۱۴۰) و اگر توبه کند

بعد از اقامه بینه ساقط نمی‌شود چه حد تازیانه باشد یا رجم باشد.

همچنین امام خمینی در تحریرالوسیله در این باره می‌نویسد:

«اگر قبل از قیام بینه توبه نماید رجم باشد یا جلد، حد ساقط می‌شود و اگر بعد از آن توبه

نماید، ساقط نمی‌شود و امام حق عفو او را بعد از قیام بینه ندارد؛ ولی اگر بعد از اقرار توبه

نماید، امام می‌تواند او را عفو نماید؛ چنان که گذشت و اگر قبل از اقرار توبه نماید، حد از او

ساقط است.» (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۱۶ تا ۴۱۷)

مستند نظریه مشهور، روایات بسیاری است که در این خصوص وارد شده است. علاوه بر

خبر مرسله برقی و معتبره طلحة بن زید (که قبلاً گذشت)، خبر ابی بصیر نیز در توجیه دیدگاه

مشهور مورد استناد قرار گرفته است.

بر ابی بصیر از امام صادق (علیه‌السلام) در مورد مردی است که شهود بر زناى او شهادت

داده بودند و او قبل از اجرای حد فرار کرده بود امام فرمود:

«اگر توبه کند، چیزی بر او نیست (مجازات نمی‌شود) و اگر به دست امام بیفتد (دستگیر

شود) حد بر او اقامه می‌شود و اگر امام مکان وی را بداند، به سوی او می‌رود و برای

دستگیری‌اش اقدام می‌کند.» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۶، ح ۴۱)



البته، در صورتی می‌توان به روایت مذکور استناد کرد که عبارت «فما علیه شیء» اینگونه تفسیر شود که بین خدا و بنده‌اش توبه پذیرفته می‌شود، ولی از نظر دنیوی باید حد اجرا شود.

در مقابل نظریه مشهور، عده کمی از فقها قائلند که اگر بزه‌کار بعد از اثبات بزه از طریق شهادت شهود، توبه کند، توبه‌اش به وسیله امام پذیرفته می‌شود و می‌تواند مورد عفو قرار گیرد.

شیخ مفید یکی از قائلین به این نظریه است که در این مورد به «اصالت برائت» عدم ثبوت حد بر ذمه کسی به دلیل استصحاب و اولویت سقوط عقاب دنیا از عقاب اخروی استدلال کرده است. (مفید، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۵)

توضیح آنکه، طبق اصل برائت، اگر در اجرای حد بر مجرم تردید نماییم، طبق اصل برائت باید چنین کسی را مستحق مجازات نماییم و طبق اصل استصحاب، می‌دانیم که فرد، مستوجب حد نبوده است؛ از این رو، اکنون چنانچه تردید نماییم که آیا مستوجب حد شده است یا خیر؟ طبق اصل ذکر شده، عدم ثبوت حد بر ذمه وی را استصحاب می‌کنیم.

دلیل دیگر، اولویت سقوط مجازات دنیا، نسبت به سقوط عقاب اخروی است؛ یعنی چنانچه کسی در آخرت به دلیل ارتکاب عملی قابل مجازات نباشد، در دنیا نیز قابل مجازات نخواهد بود. چگونه ممکن است، وی در آخرت به علت توبه مستوجب عقاب نباشد، ولی در دنیا او را مجازات کنیم؛ زیرا سقوط مجازات در دنیا، نسبت به سقوط مجازات در آخرت اولویت دارد.

نظر مرحوم شیخ مفید این است که بین سقوط مجازات اخروی و دنیوی، ملازمه وجود دارد و کسی که در آخرت مجازات نمی‌شود، در دنیا نیز (به طریق اولی) مجازات نخواهد شد. ولی نظریه وی مخدوش و اجتهاد در مقابل نص می‌باشد.



از جمله دلایل مرحوم شیخ مفید برای اثبات نظریه‌اش، تمسک به «عموم تعلیل» در خبر تحف‌العقول است، از قول امام (علیه‌السلام) «وَ إِذَا كَانَ لِلْإِمَامِ الَّذِي مِنَ اللَّهِ أَنْ يُعَاقِبَ عَنْ اللَّهِ كَانَ لَهُ أَنْ يَمُنَّ عَنِ اللَّهِ» (حرعاملی، ج ۱۸، باب ۱۸، ص ۳۳۱، ح ۴)

یعنی: چون امام می‌تواند از جانب خداوند، مجرمین را مجازات نماید، از این رو، حق عفو را نیز از جانب خدا دارد.

به اعتقاد شیخ مفید این روایت، بیانگر این است که بین حق اجرای حد و حق عفو مجرم توسط امام، ملازمه وجود دارد. در حالی که عموم این خبر توسط روایات دیگری قابل تخصیص است که عفو را در صورت قیام بینه جایز نمی‌شمارد.

از جمله این روایات، روایت وارده از امام علی (علیه‌السلام) است که فرمود:  
«إِذَا قَامَتِ الْبَيِّنَةُ فَلَيْسَ لِلْإِمَامِ أَنْ يَغْفُو» (حرعاملی، ج ۱۸، باب ۱۸، ص ۳۳۱، ح ۳)

به هر صورت به دلیل روایات متعدد، (مانند روایت اخیر) مشهور از نظریه اول (عدم امکان عفو توسط امام، بعد از اثبات جرم با قیام بینه) پیروی نموده‌اند و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی نیز بر اساس نظریه مشهور فقهای امامیه تنظیم شده است.

## ج. نقش توبه در اثبات حدود

### ۱. نقش توبه در جرائم منافی عفت و نظرات و دلایل فقها

برای بررسی بهتر نقش توبه در اسقاط حدود به برخی از جرائم و نقش توبه در آنها اشاره می‌شود.

#### — توبه از زنا

از بزرگ‌ترین گناهان زناست که شارع مقدس برای آن مجازات سنگین در نظر گرفته



است. حال اگر شخصی زانی توبه کند، احکام تغییر می‌یابد. از این رو ما در سه قسمت آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

### توبه زانی قبل از شهادت شهود

اگر شخصی که مرتکب عمل زنا گردیده قبل از اثبات آن در محکمه، توبه نماید، مشهور فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که حد از او ساقط می‌گردد.

البته در این مسئله دو تن از فقها (آیت‌الله خویی و آیت‌الله تبریزی) با تردید در ادله قول مشهور، نظر مخالف دارند. این دو بزرگوار معتقدند که جز در حد سرقت و محاربه که به دلیل خاص، حد با توبه قبل از اثبات ساقط می‌شود، حد زنا و یا حدود دیگر با توبه قبل از اثبات، ساقط نمی‌شود. (تبریزی، ۱۴۱۷ق، صص ۹۶ و ۳۰۷ و ۳۱۳)

اینک باید ادله مشهور فقها بررسی شود. آنان به چند دلیل تمسک کردند که عمده آنها روایات است:

### روایات

قایلان به سقوط حد زنا به روایاتی تمسک کرده‌اند که اشاره می‌شود:

۱. مرسله جمیل ابن دراج: «جمیل بن دراج از مردی و او از امام باقر(علیه السلام) و یا امام صادق(علیه السلام) نقل می‌کند که درباره شخصی سؤال شد که دزدی کرده یا شراب خورده و یا زنا کرده است، ولی این جرم اثبات نمی‌شود و او دستگیر نمی‌گردد تا این که توبه می‌کند و شخص صالحی می‌شود، حکم او چیست؟»

حضرت در پاسخ می‌فرماید:

هرگاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته‌ای از او سر بزند، حد بر او جاری نمی‌شود.»

(حرعاملی، ج ۱۸، ص ۳۳۸)



این روایت به صراحت دلالت دارد که اگر کسی مرتکب زنا یا سرقت و یا شرب خمر شود و جرم وی ثابت نشود و دستگیر نگردد و توبه کند، حد بر او جاری نمی‌شود. با الغای خصوصیت از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که توبه قبل از اثبات هر حد، باعث سقوط آن می‌شود. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۳) مفاد این روایات عام است و شامل توبه قبل از اثبات جرم از راه اقرار، علم قاضی و شهادت شهود می‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۳۵)

این روایت از حیث دلالت تام است، لکن از حیث سند مرسل می‌باشد؛ زیرا نمی‌دانیم شخصی که جمیل، این روایت را از او نقل کرده، ثقه بوده یا نه؟ در نتیجه، روایت قابل استناد نیست. کسانی که به این روایت استناد کرده‌اند، به این اشکال چنین پاسخ داده‌اند: مراسیل جمیل در حکم مسانید است (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۴۲) زیرا جمیل جزء اصحاب اجماع است. علاوه بر این مشهور فقها به این حدیث عمل کردند و عمل مشهور جبران کننده ضعف سند روایت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۵)

۲. مرسله صفوان بن یحیی: «ابی بصیر درباره مردی از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید که شهود بر ضد او به ارتکاب زنا شهادت می‌دهند، ولی قبل از آن که حد بر او جاری شود، فرار می‌کند. حضرت در پاسخ فرمودند: اگر توبه کند، چیزی بر عهده او نیست و اگر در دست امام واقع شود، حد را بر او جاری می‌سازد و اگر مکان او را بدانند به سراغ او می‌فرستند.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۲۸)

در این روایت، اشکال مرسله بودن وجود دارد چون صفوان «عن بعض اصحابنا» نقل کرده است، در پاسخ جواب‌های متعدد داده شده است: ۱. شهرت، جابر ضعف سند است؛ ۲. صفوان بن یحیی از اصحاب اجماع است که مراسیل او همانند مسانید است؛ ۳. این حدیث حسب نقل شیخ صدوق، مستند است و هم روات آن قابل اعتمادند؛ به این صورت «محمدبن علی جیلویه عن عمه محمدبن ابی‌القاسم عن احمدبن محمد بن خالد عن ابیه عن محمدبن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی‌عبدالله» (شانه‌چی، ۱۳۷۶، ص ۲۵)



بنابراین روایت، از حیث سند قابل ایراد نیست.

از حیث دلالت ظاهراً مقصود روایت این است مردی بی‌بینه بر ضد او شهادت دادند و او فرار کرده است، پیش از شهادت شهود توبه کرده است. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۴۳)

گرچه مورد سؤال فرار بعد از اقامه بی‌بینه است، لکن بعضی از فقها فرمایش امام را که فرمود: «ان تاب علیه شیء» را بر «تاب قبل قیام البینه» حمل کردند. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۵)

۳. صحیفه عبدالله بن سنان: در حدیثی صحیح، عبدالله بن سنان از امام صادق نقل می‌کند که حضرت فرمود: «سارق اگر خود بیاید و در پیشگاه خدا توبه کند و مال مسروقه را به صاحبش برگرداند مجازات قطع عضو، بر وی جاری نمی‌شود.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۳۰) هرچند این روایت مربوط به باب سرقت است، اما با الغای خصوصیت می‌توان گفت حکم حد زنا و سایر حدود نیز چنین است. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۴)

آیه محاربه: بعضی از فقها به آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده که درباره سقوط حد محاربه با توبه است، برای حد زنا و حدود دیگر نیز استفاده کرده‌اند:

نحوه استدلال بدین گونه است: اگر حد محاربه که شدیدتر از برخی اقسام زنا و شدیدتر از سایر حدود است با توبه قبل از دستگیری ساقط می‌شود، حد زنا نیز به طریق اولی با توبه ساقط می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۲)

شبهه: بر اساس قاعده: «الحدود تدرء بالشبهات» زمانی که زناکار قبل از ثبوت جرم توبه کند، حد جاری نمی‌شود؛ زیرا تا وقتی شهود شهادت نداده‌اند و یا شخص خود اقرار نکرده، حد ثابت نمی‌شود. در این حال اگر مرتکب زنا، توبه کند و سپس شهود شهادت دهند، به سبب توبه شک حاصل می‌شود که آیا حدی از ابتدا ثابت بود یا نه؟ در این حال، اصل عدم ثبوت حد، ثابت نبودن حد را اقتضا می‌کند؛ زیرا در توبه قبل از اثبات، وجود حد مشکوک



است. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۲، ص ۳۰۸)

د) اولویّت: مجازات اخروی به هیچ وجه قابل قیاس با مجازات های دنیوی نیست. مجازات اخروی از حیث نوع و میزان در فهم نمی گنجد. به ویژه آن که در برخی موارد، مجازات به صورت ابدی بر گناه کار تحمیل می شود. در این صورت، وقتی توبه مجازات اخروی را بر می دارد، به طریق اولی عقوبت دنیوی، یعنی حد را نیز بر می دارد. در نتیجه، توبه قبل از اثبات، باعث سقوط حد می شود.

شهید ثانی می گوید: «اما ساقط می شود حد بوسیله توبه قبل از اقامه بینه پس همانا توبه مسقط می کند گناه را و عقوبت اخروی آن را پس عقوبت دنیوی، به طریق اولی می شود» (جبعی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۵۸)

### - توبه زانی بعد از شهادت شهود

اگر شخص زناکار پس از شهادت شهود توبه کند، آیا حد زنا از او ساقط می شود با این که هیچ اثری بر توبه او مترتب نمی گردد؟ مشهور فقها بر این عقیده اند که اگر توبه زناکار بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی گردد. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۰۸)

هرچند که بعضی از فقها الزامی در اجرای حد نمی بینند، بلکه امام را در اجرا و عفو مخیر می دانند.

مشهور به روایات و استصحاب، استدلال کرده اند.

**روایات:** مشهور فقها به روایات متعددی همچون معتبره طلحه بن زید، مرسله ابوبصیر و روایات «فرار از گودال رجم» استناد کرده اند.

- اطلاق معتبره طلحه بن زید:

در این روایات امیرمؤمنان می فرماید:





« قَامَتِ الْبَيْتَةُ فَلَيْسَ لِلْإِمَامِ أَنْ يَعْفُو » (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸ ص ۳۳۱).

«اگر شهود شهادت دهند، امام حق عفو ندارد» به اطلاق این روایت چنین استناد شده است که روایت نسبت به اینکه مجرم پس از بینه توبه کند یا نه مطلق است و در نتیجه حد باید اجرا گردد.

- مرسله ابوبصیر: ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره مردی سؤال می کند که شهود بر ضد وی به ارتکاب زنا شهادت داده اند و او پیش از اجرای حد، فرار کرده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِنْ تَابَ فَمَا عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ وَقَعَ فِي يَدِ الْإِمَامِ أَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَإِنْ عَلِمَ مَكَانَهُ بَعَثَ إِلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۲۸)

چگونگی استناد به این مرسله چنین است:

«اگر شخص توبه کند، توبه اش در واقع مقبول است؛ ولی اگر دستگیر شود، حد بر او جاری می شود؛ یعنی توبه او که پس از شهادت شهود واقع شده است، در واقع قبول می کند، ولی در ظاهر قبول نمی شود و باید حد بر وی جاری شود.»

- اطلاق روایات «فرار از گودال رجم» یکی از روایات، صحیحه حسین بن خالد از امام کاظم (علیه السلام) است.

حسین بن خالد می گوید:

«از امام کاظم (علیه السلام) سؤال کردم، اگر زانی محصن از گودالی که او را در آنجا سنگسار می کنند، بگریزد، آیا برای اجرای حد باید باز گردانده شود؟ حضرت فرمود: هم برگردانده می شود و هم نمی شود. گفتم چگونه؟ فرمود: اگر خودش اقرار به زنا کرده و پس از آن که سنگی به وی اصابت کرده، گریخته است، باز گردانده نمی شود؛ اما اگر بینه بر جرم وی



شهادت داده است و او بینه را انکار کرده و در هنگام اجرای حد فرار کند با خواری و ذلت بازگردانده می‌شود تا حد بر وی جاری گردد.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۷۶)

به این روایت چنین استناد شده است که اگر محکوم به سنگسار از گودال فرار کند، در صورتی که جرمش به بینه ثابت شده باشد، برای اجرای سنگسار به گودال برگردانده می‌شود. حال مقتضای اطلاق این روایات اینست که رجم باید اجرا شود. (طباطبایی، ۱۴۲۲، ج ۱۳، ص ۴۴۶)

- **استصحاب:** وقتی شهود به ارتکاب شخصی به زنا، شهادت داده‌اند، حد ثابت و واجب می‌گردد. حال اگر مجرم توبه کند و شک پیدا شود که آیا توبه حد را ساقط کرده یا نه بقای وجوب حد استصحاب می‌شود و در نتیجه حد باید بر مجرم، جاری شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۳۵)

### - توبه زانی بعد از اقرار

مشهور فقهای شیعه در مورد شخصی که به ثبوت حد زن در ذمه‌اش اقرار کند و سپس توبه نماید، معتقدند که امام، در اقامه حد و بخشودن او مخیر است؛ خواه حدی که زانی به آن اقرار کرده، سنگسار باشد یا تازیانه. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۲۹۳)

حدی که مستلزم سنگسار است، صاحب جواهر می‌نویسد:

«هیچ اختلافی در آن، میان فقها نیافتم، بلکه بنابر آن چه در سرایر نقل شده است، فقها بر آن اجماع دارند» (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۲۹۳) اما ابن ادریس در مورد تازیانه، اجرای آن را حتمی و متعین دانسته است و تخییر را به حد سنگسار اختصاص داده است.

ابن ادریس در این حکم به «اصالت بقای حتمیت» و تعیین حد تازیانه تمسک کرده است. به این صورت که پس از اقرار و پیش از توبه، حد تازیانه متعین و حتمی است و بعد از توبه که شک در بقای حتمیت این حد می‌شود، حتمیت به استصحاب، ابقا می‌گردد. دلیل دیگر وی آن است که تخییر در اجرای تازیانه مستلزم تعطیلی حدود است که از آن نهی شده



است. (الحلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۴۴)

به نظر می‌رسد که سخن ابن‌ادریس صحیح نیست؛ زیرا سنگسار و تازیانه در مقتضای حکم مشترک هستند. همان‌گونه که اعتراف و پشیمانی از گناه، مقتضی سقوط سنگسار است، موجب سقوط تازیانه نیز می‌شود. همی چنین اگر توبه، حتمیت کیفر شدیدتر را ساقط کند به طریق اولی حتمیت کیفر خفیف‌تر را نیز ساقط خواهد کرد. (حلی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، صص ۱۴۶، ۱۴۷)

قول اختیار امام در عفو زانی بعد از اقرار وی: مستندات اصلی این قول، روایات می‌باشد که چند نمونه از آن‌ها ذکر می‌شود:

معتبره طلحه بن زید: امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مردی نزد امیرمؤمنان (علیه‌السلام) آمد و به سرقت اقرار کرد. حضرت به او فرمود: آیا چیزی از قرآن را می‌دانی و می‌خوانی؟ گفت: بله سوره بقره. حضرت فرمود: دستت را به سوره بقره بخشیدم. اشعث گفت: آیا از حدود خداوند حی را تعطیل می‌کنی؟ حضرت فرمود: تو چه می‌دانی که این چیست؟ هرگاه بینه‌ای برپا شود، امام نمی‌تواند ببخشد و هرگاه خود انسان به زیان خویش اقرار کند، اختیار با امام است، اگر بخواهد می‌بخشد و اگر بخواهد دست را می‌برد (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۳۱) در ذیل روایت می‌بینیم که امیرمؤمنان میان اثبات جرم با اقرار و اثبات جرم با بینه تفاوت می‌گذارد و در صورت اقرار شخص، برای امام قایل به اختیار عفو و اجرای حد می‌شود.

استناد به این روایت با این اشکال مواجه است که این روایت در خصوص سرقت و در حد زنا و سایر حدود جاری نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۷۸، ۱۷۹)

پاسخ آن است که جمله پایانی روایت «إِنْ شَاءَ عَفَا وَإِنْ شَاءَ قَطَعَ» در بردانده یک قاعده

کلی است. (شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷)



یعنی اگر شهود شهادت دهند، اما حقّ عفو ندارد و اگر شخص بر ضدّ خویش اقرار کند، امام اختیار عفو یا اجرای حد را دارد. در نتیجه می‌توان گفت در تمام حدود، بعد از اقرار مجرم، امام اختیار عفو یا اجرای حد را دارا است.

۲. صحیحۀ ضریس کناسی: ضریس کناسی نقل می‌کند که امام محمدباقر (علیه‌السلام) فرمود: جز امام کسی نمی‌تواند از اجرای حدود مربوط به حق‌الله گذشت کند؛ اما اگر اجرای حدود مربوط به حق‌الناس باشد، غیر از امام نیز می‌تواند از اجرای آن چشم‌پوشی نماید.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۳۱)

مقتضای عبارت اول این است که امام می‌تواند مجازات‌هایی که جنبه حق‌اللهی دارند را عفو نماید و قدر متیقّن آن در صورتی است که آن جرم حق‌اللهی با اقرار ثابت شده باشد. باید گفت در سند این روایت اشکال وجود دارد؛ زیرا در سند حدیث ضریس کناسی است که هیچ مدح و قدحی در مورد او نرسیده است؛ اما با توجه به اینکه در سند این حدیث ابن محبوب که از اصحاب اجماع به‌شمار می‌آیند، وجود دارد و ابن محبوب از ضریس کناسی نقل حدیث می‌کند، بنابراین اشکال سندی حدیث، رفع می‌گردد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۰۹)

## – توبه از لواط

از آنجا که لواط عمل شنیع و زشتی است، شارع مقدّس مجازات سنگینی برای آن وضع نموده است. حال اگر مرتکب چنین عملی از کرده خود پشیمان شده و توبه نماید، آیا توبه وی تأثیری در سقوط مجازاتش خواهد داشت؟

در این بحث در سه قسمت به پاسخ این سؤال پرداخته می‌شود:

## توبه لواط‌کننده قبل از اثبات جرم

اگر مرتکب عمل شنیع لواط قبل از اثبات توبه نماید، بنابر نظر مشهور فقهای امامی، حد



ساقط می شود. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۸۷) ادله مشهور فقهای امامیه در سقوط حد لواط با توبه قبل از اثبات، همان است که در مبحث زنا به تفصیل مطرح شد.

### توبه لواط کننده بعد از شهادت شهود

در صورتی که مرتکبان به این عمل زشت بعد از شهادت شهود، توبه کنند، مشهور فقهای امامیه معتقدند حد ساقط نمی شود. ادله آنان بر این حکم اطلاق معتبره طلحه بن زید و استصحاب است. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۸۷)

روایت طلحه بن زید: در این روایت حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «إِذَا قَامَتِ الْبَيْتَةُ فَلَيْسَ لِلْإِمَامِ أَنْ يَعْفُو؛ اگر شهود شهادت دهند، امام حق عفو ندارد» (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۳۳۱)

به اطلاق این روایت می توان چنین استناد کرد که روایت نسبت به این که مجرم بعد از شهادت شهود توبه کند یا نه مطلق است. لذا باید حد اجرا گردد.

استصحاب: وقتی شهود به ارتکاب شخصی به عمل مستوجب حد، شهادت دهند، حد ثابت می شود. در این صورت، اگر مجرم توبه کند و شک پیدا شود که آیا توبه حد را ساقط کرده یا نه بقای وجوب حد استصحاب می شود. در نتیجه، حد باید بر مجرم جاری شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۳۵)

### توبه لواط کننده بعد از اقرار به جرم

مشهور فقها معتقدند اگر لواط کننده، بعد از اقرار توبه نماید امام در عفو و اجرای حد، مخیر است. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۸۷) دلیل عمده و اساسی آن روایات است که به ذکر دو نمونه اکتفا می شود.

حدیث تحف العقول: «ابن شعبه حرانی در تحف العقول از امام هادی (علیه السلام) نقل



می‌کند که فرمود: شخصی که اعتراف به لواط کرده است و شهادی بر او اقامه نشده و خود او داوطلبانه اقرار نموده است، اگر امام که از جانب خداوند است می‌تواند از سوی خدا او را به کیفر رساند، این اختیار را نیز دارد که از سوی خدا بر او منت گذارد.

آیا سخن خداوند را نشنیدی که فرمود: این بخشش و عنایت ماست، خواهی منت گذار و خواهی بدون حساب نگهدار.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۳۱)

صحيحهٔ مالک بن عطيه: در این روایت آمده است، مردی نزد امیرمؤمنان (علیه‌السلام) آمد و چهار بار به انجام لواط اقرار کرد.

حضرت او را در انتخاب نوع کیفر لواط از میان سه نوع کشته شدن با شمشیر، سقوط از کوه با دست و پای بسته و سوختن با آتش مخیر گذاشت. او از حضرت پرسید کدام یک از این سه عقوبت سخت تر است؟

امام (علیه‌السلام) فرمود: آتش از همه سخت تر است. او نیز آتش را انتخاب کرد. گودال آتشی فراهم شد، وی دو رکعت نماز خواهد و چنین دعا کرد: بارالها! من مرتکب گناهی شده‌ام که می‌دانی و من از گناهم ترس دارم. به همین دلیل نزد وصی رسولت و پسرعموی پیامبرت آمدم و درخواست کردم که مرا پاک گرداند. او مرا میان سه نوع عذاب مخیر کرد. خدایا من شدیدترین عقاب را برگزیدم و از تو می‌خواهم که آن را کفارهٔ گناهم قرار دهی و با آتش دوزخ مرا نسوزانی.

سپس بلند شد و در حالی که گریه می‌کرد، وارد گودالی شد که برای او کنده بودند، امیرمؤمنان و همهٔ یارانش با دیدن این صحنه گریستند؛ سپس حضرت فرمود: «ای مرد، برخی که فرشتگان آسمان و زمین را به گریه انداختی، خداوند توبهات را پذیرفت، برخی از این پس هرگز آن چه را که انجام دادی تکرار مکن.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۴۲۳)

فقها با استناد به این روایت گفته‌اند اگر کسی به لواط اقرار کند و سپس توبه نماید، امام



مخیر است او را عفو کند یا حد را بر وی جاری سازد. بلکه برخی بنا به اولویت یا الغای خصوصیت در دیگر حدود، به این روایت استناد کرده‌اند. (مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، ص ۱۸۰)

### – توبه از مساحقه

در این بحث سؤال این است که اگر مرتکب مساحقه از عمل خود پیشیمان شده و توبه نماید، آیا بر توبه او اثری مترتب می‌شود؟ و آیا حد او ساقط می‌شود یا نه؟

در پاسخ این سؤال گفته می‌شود که مسئله در سه صورت قابل بررسی است:

صورت اول: این که مساحقه کننده قبل از اثبات از طریق شهود، توبه نماید. در این صورت مشهور فقهای امامیه معتقدند که حد ساقط می‌شود (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۹۰) مستند آنان همان است که در مبحث زنا و لواط به تفصیل بیان شد.

صورت دوم: این که مساحقه کننده بعد از شهادت شهود توبه نماید. در این صورت، مشهور فقهای امامیه بر این باورند که حد ساقط نمی‌شود. دلایل آنان همان دلایلی است که در مبحث لواط ذکر گردید. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۹۰)

صورت سوم: این است که مساحقه کننده بعد از اقرار توبه نماید. در این صورت حاکم در عفو و اجرای حد مخیر است (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۹۰)

### – توبه از قیادت

حکم سقوط حد قیادت با توبه، همان است که درباره سقوط حد زنا، لواط و مساحقه بیان شد و همان دلایل نیز در این جا مصداق دارد. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۹۰)

### – توبه از قذف

توبه حق الناس را ساقط نمی‌کند. بلمه تائب باید در اولین فرصت ممکن حقوق مردم را به



آنان برگرداند. حد قذف نیز از جمله حقوق مردم است، از این رو توبه آن را ساقط نمی‌کند و حسب آیه ۴ و ۵ سوره نور، سه حکم بر قذف مترتب می‌شود که عبارتند از شلاق زدن قذف کننده، عدم قبول شهادت و فاسق بودن وی، مگر در صورتی که توبه نماید. «وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/۴ و ۵)

و کسانی که آنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدّعی خود) نمی‌آورند، آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آن‌ها همان فاسقانند! مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آن‌ها را می‌بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

توبه قذف کننده چنین است که خود را نزد کسانی که در حضور آنان قذف کرده است یا نزد گروهی از مسلمانان یا نزد هر دو دسته تکذیب کند. پس هرگاه خود را تکذیب کرده و توبه نموده و شخص صالحی گردد، از فسق بیرون آمده و شهادتش پذیرفته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۴۲)

عبدالله بن سنان می‌گوید درباره کسی که حد خورده و توبه نموده است از امام صادق (علیه‌السلام) پرسیدم:

«إِذَا تَابَ تَقَبَّلَ شَهَادَتَهُ فَقَالَ إِذَا تَابَ وَ تَوَبَّتْهُ أَنْ يَرْجَعَ مِمَّا قَالَ وَ يُكَذِّبَ نَفْسَهُ عِنْدَ الْإِمَامِ وَ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ فَإِذَا فَعَلَ فَإِنَّ عَلَيَّ الْإِمَامِ أَنْ يَقْبَلَ شَهَادَتَهُ بَعْدَ ذَلِكَ»؛

هرگاه توبه کرد قبول می‌شود شهادتش پس گفت هرگاه توبه کند و بازگردد از آنچه گفته است و تکذیب کند خودش را نزد امام و نزد مسلمانان پس هنگامی که این کار را انجام داد پس بر امام است که قبول کند که شهادتش را بعد آن.





لازم به ذکر است که توبه قاذف مانع از اجرای شرعی حد قذف نیست، بلکه فسق او را زایل کرده کرده و شهادتش قبول می‌شود.

## ۲. نقش توبه در سایر جرائم و نظرات و دلایل فقها

در این فصل نقش توبه در سایر جرائم حدی بررسی می‌شود:

### – توبه از شرب مسکر

به عقیده فقهای امامیه حرمت شرب مسکر اختصاص به خمر ندارد، بلکه جنس هر مسکری حرام است و تحریم آن به مقدرای که خورنده را مست کند، اختصاص ندارد. بلکه آن چه جنسش مستی آور باشد، یعنی غالباً حالت مستی ایجاد کند، گرچه بعضی از مردم را مست نکند، نوشیدن یک قطره آن حرام است. (جبعی، ۱۴۲۵، ص ۱۹۷)

حال اگر مرتکب شرب مسکر قبل از اقرار و یا قبل از شهادت شهود توبه نماید، حکمش چیست؟ آیا حد از او ساقط می‌شود؟ مشهور فقهای امامیه معتقدند که حد ساقط می‌شود و دلیلشان نیز روایت جمیل ابن دراج است (حرعاملی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۸) این روایت از حکم شخصی که دزدی کرده یا شراب خورده و یا زنا کرده است و جرم وی اثبات نشده تا این که وی توبه کرده و شخص صالحی شده، سؤال شد. امام در پاسخ فرمود: هرگاه توبه کند و عمل صالحی انجام دهد، حد بر او جاری نمی‌شود این روایت به وضوح دلالت می‌کند که اگر کسی مرتکب شرب خمر شود و جرم وی ثابت نشده و توبه نماید حدی بر او جاری نمی‌شود؛ اما اگر توبه بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی‌شود (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۳۳۸)

ادله مشهور در این باره همان‌هایی است که در مبحث زنا به تفصیل مطرح شده است. صورت سوم مسئله این که اگر مرتکب شرب مسکر، بعد از اقرار توبه نماید، مشهور فقها برآنند که امام مخیر خواهد بود میان آن که حد را بر او اقامه کند یا آن که او را ببخشد



(نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۴۶۸)

سؤال شد؛ اما در پاسخ فرمود: هرگاه توبه کند و عمل صالحی انجام دهد، حد بر او جاری نمی شود این روایت به وضوح دلالت می کند که اگر کسی مرتکب شرب خمر شود و جرم وی ابت نشده و توبه نماید حدی بر او جاری نمی شود؛ اما اگر توبه بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی شود. (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۳۳۸)

ادله مشهور در این باره همان هایی است که در مبحث زنا به تفصیل مطرح شده است. صورت سوم مسئله این که اگر مرتکب شرب مسکر، بعد از اقرار توبه نماید، مشهور فقها برآنند که امام مخیر خواهد بود میان آن که حد را بر او اقامه کند یا آن که او را ببخشد. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۴۶۸)

### – توبه از سرقت

توبه کاری است که قرآن کریم در جرم سرقت مانند سایر جرائم آن را پاس داشته است. «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

(مانده / ۳۸ و ۳۹)

دست مرد و زن سارق را به کیفر عملشان قطع کنید. این عقوبتی است که بر آنان مقرر شده و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است، پس هر کسی بعد از ستمی که انجام داده توبه کرده و عمل خود را اصلاح نماید، خداوند او را خواهد بخشید، به راستی که خداوند بخشنده و مهربان است.

قطع دست سارق، مجازاتی از جانب خداوند متعال است تا این که شخص، عقوبت شده و از گناه خود بازگردد. چنان چه سارق بعد از سرقت توبه کند و خود را اصلاح نماید، خداوند متعال توبه اش را می پذیرد و او را مشمول رحمت خویش قرار می دهد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۵۷) و مقصود از اصلاح در آیه این است که مال سرقت شده را به مالک اصلی آن



بازگرداند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۹، ص ۴۱۷)

حال سؤال این است که اگر سارق قبل از اثبات سرقتش توبه نماید و یا بعد از اثبات جرم و یا بعد از اقرار توبه نماید حکم آن چیست؟ آیا حد و قطع ید از او ساقط می‌شود یا نه؟

فقه‌های امامیه متفقند که توبه سارق قبل از اثبات، مسقط حد است و دلیل آنان نیز روایت عبدالله بن سنان و جمیل بن دراج است: عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «سارق اگر خود بیاید و در پیشگاه خدا توبه نماید و مال سرقت شده را به صاحبش برگرداند مجازات قطع ید بر وی جاری نمی‌شود. (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۵۳۰). و جمیل بن دراج از مردی و از امام باقر (علیه‌السلام) یا امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده که فرمودند: «درباره شخصی سؤال شد که دزدی کرده یا شراب خورده و یا زنا کرده است، ولی این جرم ثابت نمی‌شود و او دستگیر نمی‌گردد تا این که توبه می‌کند و شخص صالحی می‌شود، حکم او چیست؟ امام در پاسخ می‌فرماید: هرگاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته‌ای از او سربزند، حد بر او جاری نمی‌شود» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۲۸)

اما اگر سارق بعد از شهادت شهود توبه کند باید حد بر او جاری گردد و این مسئله ظاهراً مخالفی ندارد اما اگر توبه سرقت کننده بعد از اقرار جرم باشد، مشهور قایل به تخییر حاکم در عفو و اجرای حدند، لکن بعضی از فقها قایل به اجرای حدند؛ زیرا اگر حاکم عفو نماید باعث به تعطیل کشاندن حدود الهی می‌شود. (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۴۱، ص ۵۴۰)

### – توبه از محاربه

محاربه از جرائم مستلزم حد است و فقها حکم آن را عموماً بعد از حکم سرقت بیان کرده‌اند. دلیل آن نزدیک بودن مفهوم محاربه با برخی از مصادیق سرقت است و دلیل دیگر این که حکم محاربه و سرقت در قرآن کریم متعاقب هم ذکر شده است. حال سؤال این است که اگر محارب قبل از دستگیری و یا بعد از دستگیری توبه کند، حکمش چیست؟ آیا



توبهٔ محارب موجب سقوط حد می‌شود یا نه؟

در پاسخ گفته می‌شود: اگر توبه محارب قبل از سقوط یا دستگیری باشد، حد ساقط می‌شود و این سقوط از صریح آیه ۳۴ سوره مائده استفاده می‌شود. فقها نیز نسبت به آن اتفاق نظر دارند (طوسی، ۱۳۱۶، ج ۵، ص ۴۶۷) لکن حق الناس بر عهده محارب باقی می‌ماند و در بقای حقوق الناس نیز تفاوتی بین قتل، جرح و مال وجود ندارد. خواه مال موجود باشد و خواه تلف شده باشد، باید جبران شود. البته بعضی معتقدند کلیه حقوق ساقط می‌گردد، مگر در مورد مال که اگر موجود باشد از محارب گرفته می‌شود (فاضل مقداد، ۱۴۲۸، ص ۶۶۹) معنا و مفهوم آن، این است که اگر مال موجود نباشد، جبران منتفی است و محارب مسئول جبران آن نخواهد بود. لکن معلوم است که این سخن بی دلیل است. از این رو امام خمینی می‌فرماید: «لو تاب المحارب قبل القدرة علیه سقط الحد دون حقوق الناس من القتل و الجرح و

المال» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۹۲)

اما اگر توبهٔ محارب بعد از سلطه یا دستگیری باشد، حد محاربه ساقط می‌گردد و حق الناس نیز بر عهده مجارب باقی می‌ماند. این حکم نیز از آیه ۳۴ سوره مائده استنباط می‌شود و در روایات و کلمات فقها نیز بر آن تأکید شده است و اصولاً اختصاص به حد محاربه ندارد، بلکه در کلیه حدودی که حق الله هستند، جاری است.

### – توبه از ارتداد

همان گونه که در بحث توبه بیان شد، توبه به معنای بازگشت است، بنابراین توبه مرتد این است که دست از کفر خویش برداشته و به آغوش اسلام بازگردد.

در فقه امامیه مرتد به دو قسم فطری و ملی تقسیم می‌شود: مرتد فطری کسی است که پدر یا مادرش یا هر دو به هنگام انعقاد نطفه‌اش مسلمان بوده‌اند و او پس از رسیدن به بلوغ و اظهار اسلام، از آن خارج شود. مرتد ملی کسی است که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه



وی کافر باشند و بعد از بلوغ اظهار کفر نمایند و پس از آن اسلام بیاورد و سپس به کفر برگردد؛ مانند نصرانی که مسلمان شود و سپس به نصرانیتش برگردد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۶۶)

حال سؤال این است که اگر مرتد (خواه فطری و خواه ملی) توبه کند، آیا توبه او اثری در اسقاط حد او دارد یا نه؟ در پاسخ این سؤال گفته می‌شود آن چه در فقه امامیه مشهور است، تفصیل بین مرتد فطری و ملی است. از نظر فقهای شیعه، مرتد فطری در احکام سه گانه: قتل، مصادره اموال و نقض زوجیت، راه توبه ندارد. محقق حلی می‌گوید:

«مرتد فطری توبه اش قبول نیست و باید کشته شود و همسرش از او جدا خواهد شد و عده وفات نگه می‌دارد و اموالش بین ورثه تقسیم می‌گردد.» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۹۶۱)

و روایتی صحیحی از علی بن جعفر است که از مولی موسی بن جعفر (علیه السلام) سؤال شد: «در مورد مسلمانی که نصرانی گشته، حضرت فرمود: کشته می‌شود و توبه اش پذیرفته نمی‌شود می‌گوید: پرسیدم اگر نصرانی بوده، مسلمان گشته و سپس مرتد شده؟ فرمود: از او خواسته شود که توبه کند، اگر توبه کرد چه بهتر و گرنه کشته می‌شود.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۵۴۵)

### ۳. نقش توبه زن در کیفر زن مرتد

در کتب فقهی آمده است که: زن مرتد را توبه می‌دهند و فرقی ندارد که فطرتاً مسلمان باشد یا نباشد و اگر توبه کرد، مجازات او ساقط می‌شود و اگر توبه نکرد او را در زندان حبس می‌کنند و بر او سخت می‌گیرند تا این که از ارتداد برگردد. (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۹۶۲، القسم الرابع، الباب الاول)

جابرین یزید جعفری از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند:

«هرگاه زنی از دین برگشت او را توبه دهند، اگر پذیرفت (مجازات او ساقط می‌شود) و



اگر نپذیرفت او را برای همیشه زندانی نمایند، او را اعدام نکنند آنچنان که مرد از دین برگشته را اعدام می‌کنند، اما ایشان (زنهار) را در زندان به کارهای سخت وادارند، خوراک و آشامیدنی او را به اندازه ضرورت بدهند و خوراک نیکو به او ندهند و لباس خشن به ایشان بپوشانند و هنگام نماز و روزه او را تازیانه می‌زنند. «(مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۷۶، ص ۲۲۰، کتاب النواهی، باب ۹۷)

اموال او همچنان در ملک او باقی می‌ماند و جز با مرگ او به ورثه‌اش منتقل نمی‌شود. زن مرتد از شوهر مسلمان خود فوراً جدا می‌شود و در صورتی که مدخوله نباشد عده نگه نمی‌دارد ولی اگر مدخوله باشد، عده طلاق است.

هرگاه پیش از تمام شدن عده توبه کند، همچنان پیوند ازدواج آن‌ها باقی است. ولی اگر در زمان عده توبه نکند کاشف از این است که از همان آغاز ارتداد، زوجیت فسخ شده و جدایی میان آن دو حاصل می‌شود. (فیض، ۱۳۶۴، ص ۴۱۹)

#### ۴. نقش توبه در کیفر مرد مرتد

مرتدی که توبه می‌کند، مسلمان است و چنانچه شخصی به اعتقاد این که هنوز مرتد است او را بکشد، چه حکمی دارد؟

مرحوم اردبیلی می‌گوید: «شیخ طوسی، قصاص را ثابت می‌کند به سبب این که قتل مسلمان، ظلم بزرگی است و برای این که ظاهر این است که بعد از توبه دیگر ارتداد صدق نمی‌کند.» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۸۷۹)

در شرایع الاسلام آمده: «و فی القصاص، تردّد، لعدم القصد الی قتل المسلم» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۶۵)

در قصاص چنین فردی تردید وجود دارد، چون قصد کشتن مسلمان در بین نبوده است.

امام خمینی (رحمت الله علیه) می‌فرماید:



قول قوی تر عدم قصاص است و دیه او را باید از اموالش بپردازد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۲۵)

اردبیلی استناد کرده به روایتی که شرح آن به بیان زیر است:

«گروهی از صحاب که اسامه بن زید در میان آنان بود می‌خواستند فرد اعرابی کافری را بکشند، اعرابی شهادتین را ادا کرد. پس (صحابه) گفتند: تشهد نمی‌گویی مگر از ترس شمشیرهای ما، پس او را کشتند. پیامبر بر اسامه غضبناک شد و فرمود: آیا قلب او را شکافته بودی که بدانی شهادتین او واقعی نیست. ولیکن اسامه را قصاص نکرد. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱)

## نتیجه بحث

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان به صورت ذیل فهرست کرد:

۱. توبه نیز همانند سایر عوامل سقوط مجازات‌ها، فقط مجازات حق الله را ساقط می‌کند و تأثیری در حقوق مردم ندارد و مهم‌ترین ملاک در تشخیص حق الناس و حق الله آن است که حق الله به حقی گفته می‌شود که قابل اسقاط است.

۲. اسلام دینی است که ارزش خاصی برای انسان‌ها خصوصاً تائبان قایل شده است. تا آنجا که در مواردی همانند زنا که ممکن است با برملا شدن آن آبرو و حیثیت بنده گنهگار از بین برود، توصیه می‌کند تا پنهانی توبه نماید و دیگران را از این عمل زشتش آگاه نسازد.

۳. از دیدگاه فقهای امامیه، توبه مجرم قبل از اثبات جرم، در حق الله موجب سقوط مجازات می‌گردد؛ اما توبه مجرم بعد از اقرار به جرم، به اتفاق آنان تنها زمینه عفو و مجرم از مجازات را فراهم می‌کند و قاضی می‌تواند از حاکم اسلامی تقاضا کند تا



مجرم را ببخشد به نظر می‌رسد که تفاوت بین توبه قبل از اثبات و بعد از اقرار در این است که در مورد توبه قبل از اثبات، حد به سبب توبه ساقط می‌شود و قاضی نمی‌تواند در صورت صحت توبه، مرتکب را مجازات نماید، زیرا کیفر مستقیماً بر اثر توبه ساقط شده است؛ اما در مورد توبه بعد از اقرار مجرم، می‌تواند او را مورد عفو قرار دهد یا این که وی را مجازات کند.

بر اساس نظریه مشهور فقهای امامیه، توبه مجرم بعد از اثبات جرم توسط شهادت شهود، اثری نداشته و موجب سقوط مجازات و عفو مجرم، نمی‌گردد.

## فهرست منابع و مآخذ

\* قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، (شیخ صدوق)، محمد بن علی، مترجم: علی اکبر غفاری، ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران، صدوق، ۱۳۷۳.
۲. .... من لایحضره الفقیه، تحقیق حسن الموسوی الخراسانی، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۱ق، ج ۴.
۳. اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق
۴. تبریزی، میرزا جواد، اسس الحدود و التعزیرات، قم، بی‌نا، ۱۴۱۷، بی‌نا، ۱۴۱۷ق
۵. جبعی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۵ق
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶.





۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۲
۸. حلّی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۰ ق
۹. حلّی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷
۱۰. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۴۲۲
۱۱. شانه‌چی، کاظم، علم‌الحديث و درایة‌الحديث، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۲. شاه‌رودی، محمود، بایسته‌های فقه جزا، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸
۱۳. طباطبایی، علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۲
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق
۱۵. طوسی، نصیرالدین، اوصاف الاشراف، مترجم: رکن‌الدین محمد بن علی جرجانی، تهران، الغدير، ۱۳۶۲
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، مؤسسه نظر الاسلامی، ۱۳۱۶
۱۷. عاملی، محمد بن حسین، الاربعون حدیث، تهران، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱
۱۸. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم، بی‌نا، کتاب‌الحدود، ۱۴۲۷ ق
۱۹. فیض کاشانی محمد بن مرتضی، الصفی فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۹



۲۰. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق، در جزای عمومی اسلامی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴
۲۱. کریمی جهرمی، علی، الدّر المنضود فی احکام الحدود، قم، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۴
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه هاشم رسولی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۴
۲۳. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، تهران، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۲
۲۵. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۲۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴
۲۸. ....، انوار الفقاهة (کتاب الحدود و التعزیرات)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۷
۲۹. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ ق
۳۰. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، انتشارات دفتر تبلیغات وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۸
۳۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۳

